

نتیج پیامدهای قیام امام حسین مریم کلور دی

قتل امام حسین علیه السلام بر پا شد، همان کفاره یاری نکردن به آن حضرت، و انتقام گرفتن از امویان بود.

این احساس گناه همواره بر افروخته بود و در هر فرصتی انگیزه انتقام از بنی امیه و قیام بر ضد ستمگران بود.

۳. پیدایش اخلاق جدید، قیام امام علیه السلام موجب شد که در جامعه، نوعی اخلاق بلند نظرانه پدید آید و نظر انسان‌ها را به زندگانی خود و دیگران، دگرگون سازد تا بتواند بدین وسیله، جامعه را اصلاح کند.

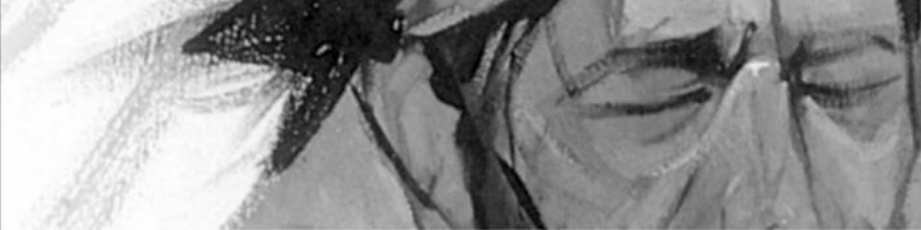
امام حسین علیه السلام و فرزندان و یاران باوفایش، در قیام بر ضد بنی امیه، اوج ایثار و فداکاری در راه دین و اخلاق عالی اسلامی را با همه صفات و طراوت آن نشان دادند. ایثار و از خودگذشتگی را نه در عمل که با خون خود نوشتند. مردم عادی قبایل آن زمان عادت کرده بودند که ببینند رهبران، قبیله و دین و وجدان خود را به پول بفروشند و در برابر ستمکار، گردن خم کنند تا از عطا‌های آنان بهره‌مند گردند. اوضاع و شرایط زندگی آن زمان مردم به گونه‌ای بود که مردم تنها در اندیشه زندگی خویش بودند و برای مشکلات و دردهای اجتماعی چندان اهمیتی قایل نبودند. تنها کوشش آنان این بود که دسترنج خویش را حفظ کنند و از توجیهات رهبران اطاعت نمایند تا مبادا نامشان از فهرست حقوق بگیران حذف شود. از این رو، در مقابل جور و ستمی که می‌دیدند، خاموش می‌شدند و هم آنان این بود که مفاخر قبیله‌ای خود را بازگو کنند و به افتخارات گذشته پدران جاهل خویش افتخار کنند.

اصحاب امام حسین علیه السلام مردمی دیگر بودند، گروهی که در سرنوشت با امام همراه شدند، مردمی عادی بودند و هر کدام دارای زن و فرزند و خانواده و دوستانی بودند. از بیت‌المال مقرری دریافت می‌داشتند و زندگانی نسبتاً راحتی داشتند و می‌توانستند از لذت‌های

برای آگاهی از قیام امام حسین علیه السلام و نتایج آن، این پرسش پیش می‌آید که آیا قیام حسینی به نتایج و اهداف خاصی دست یافت و واقعیتی را دگرگون ساخت؟ بسیاری از تاریخ دانان مدعی‌اند که قیام حسینی شکست خورد، زیرا برای جهان پیروزی سیاسی فوری بر نداشت. برای درک بهتر نهضت حسینی علیه السلام باید هدف‌ها و نتایج آن را خارج از پیروزی فوری و سریع و در دست گرفتن زمام امور جستجو کرد. نباید این انقلاب را مانند سایر انقلابات ملاحظه کرد بلکه باید نتایج آن را در امور زیر ملاحظه نمود.^(۱)

۱. در هم شکستن چار چوب ساختگی دینی که امویان و یارانشان تسلط خود را بر آن استوار ساخته بودند و رسوا ساختن روح لامذهبی جاهلیت، که روش حکومت آن زمان بود. از آن زمان که روح بی دینی در جامعه و در میان همه طبقات اجتماع شایع شده بود و بی آن که پرده از آن برداشته شود، و بی آنکه ساختگی بودن آن و دور بودن آن از دین در میان مردم بر ملا شده باشد، امام حسین علیه السلام تنها کسی بود که می‌توانست حکام را رسوا سازد و دوری بسیار این بدعت‌ها را از اسلام آشکار نماید. از این رو، قیام او حد فاصل بین اسلام و حکومت اموی بود و می‌توانست چهره حقیقی و آلودگی حکام اموری آن را نشان دهد.

۲. احساس گناه ناشی از شهادت جانسوز امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا موجی شدید از احساس گناه در وجدان هر مسلمانی برانگیخت. آنان پی بردند که می‌توانستند او را یاری دهند. اما از آن پس که با او برای قیام پیمان بستند او را یاری نکردند. این احساس گناه دو جنبه داشت: از یک سو، انسان را وادار می‌ساخت که گناهی را که مرتکب شده با کفاره بشوید و از سوی دیگر، نسبت به کسانی که او را به ارتکاب چنین گناهی واداشته بودند، احساس کینه و نفرت کند، به طوری که انگیزه انقلاب‌های متعددی که در اثر



انقلابی‌هایی که بواسطه نهضت امام حسین (ع) شکل گرفته عبارتند از:

۱. انقلاب توابین:

این انقلاب در کوفه بر پا گردید و واکنش مستقیم به قتل امام بود. انگیزه آن، احساس گناه به علت یاری نکردن به امام بود. کوفیان خواستند ننگی را که مرتکب شده بودند، با انتقام از قاتلان امام حسین (ع) بشویند. این واقعه در سال ۶۵ هجری روی داد. (۲)

۲. انقلاب مدینه:

این انقلاب با انقلاب توابین تفاوت داشت؛ زیرا هدف آن انتقام خون حسین (ع) نبود بلکه انقلابی بود علیه حکومت ستمکار بنی امیه. (۳) اهل مدینه علیه امویان شورش کردند و عامل یزید را از مدینه بیرون راندند. شرکت کنندگان در این قیام، یک هزار نفر بودند. این انقلاب با دست سپاهیان شام و با نهایت وحشیگری سرکوب گردید. (۳)

۳. قیام مختار ثقفی:

در سال ۶۶ هجری، مختار بن عبیده ثقفی در عراق به خونخواهی حسین (ع) و انتقام قاتلان امام قیام کرد و در یک روز دویست و هشتاد تن از آنان را به قتل رسانید. (۴)

۴. انقلاب مطرف بن مغیره:

در سال ۷۷ هجری، مطرف بن مغیره علیه حجاج بن یوسف شورید و عبدالملک بن مروان را از خلافت خلع کرد. (۵)

۵. انقلاب ابن اشعث:

در سال ۸۱ هجری، عبدالرحمن بن محمد بن اشعث بر حجاج شورید و عبدالملک مروان را از خلافت خلع کرد. این شورش تا سال ۸۳ به طول انجامید. در آغاز پیروزی‌های نظامی به دست آورد، اما بعدها، حجاج به کمک ارتش شام بر او غلبه کرد. (۶)

۶. انقلاب زید بن علی بن حسین:

در سال ۱۲۲ هجری، زید بن علی در کوفه به شورش برخاست، اما آن شورش بی درنگ به وسیله سپاهیان شام که در آن هنگام در عراق بودند سرکوب گردید. (۷)

سرانجام قیام بنی عباس به حکومت بنی امیه پایان داد و آن انقلاب با الهام از انقلاب حسینی و استفاده از خشنودی و رضای اهل بیت پیامبر (ع) بود که پایه‌های مردمی یافته بود. و مورد توجه توده‌ها واقع شده بود.

انقلاب‌ها با منحرفان به مقابله برخاست و هرگز خاموش نگردید. بلکه انسان مسلمان پیوسته انسانیت خود را که حاکمان شعله‌های آن را خاموش کرده بودند، بیان می‌کرد، و آن قیام‌ها به فضل روحیه‌ای بود که قیام حسینی در کربلا گسترده و گسترش داد.

همانا که قیام حسین (ع) سرآغاز جنگ و قیام در تاریخ انقلاب بود و آن نخستین قیامی بود که طریق مبارزه جویی را

به مردم آزاده، که آن روحیه را از دست داده بودند، آموخت. و این نکته را باید اضافه کرد انقلاب‌ها در سطح جهان در ورای زمان‌ها تا به امروز به ویژه جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی بخش اسلامی و شیعی بوده‌اند. انقلاب‌ها و جنبش‌هایی که همواره در وجود مردم ستم دیده نورانیتی خاص ایجاد می‌کردند.

بی نوشت:

۱. قیام حسینی و شرایط آن، محمد مهدی شمس الدین، ص ۱۵۴.
۲. تاریخ طبری، انقلاب توابین، ج ۴، ص ۴۲۶، ۴۳۶.
۳. تاریخ طبری، انقلاب مدینه، ج ۲، ص ۳۶۶، ۳۸۱.
۴. همان، ص ۴۲۲.
۵. تاریخ طبری، انقلاب مطرف.
۶. تاریخ طبری، ص ۱۸۹، ۲۰۳.
۷. مقاتل الطالین، اصفهانی، ص ۱۳۹.

حیات برخوردار گردند. اما از همه اینها چشم پوشیدند و برای نثار جان خویش در راه امام حسین (ع) با حاکمان جور زمان خود و با ناهنجاری‌های اجتماعی به ستیز برخاستند. برای بیشتر مسلمانان آن روز این نکته بسی جالب بوده و هست که یک انسان میان زندگانی راحت و ثروت و نفوذ استفاده از آنها و حتی امروز، در انتخاب مرگ آزاد باشد و در این میان مرگ را انتخاب کند! چنان خصلتی وجدان هر مسلمانی را تکان می‌داد و او را از خوابی سنگین و طولانی بیدار می‌کرد تا زندگانی اسلامی شکل گیرد. شکلی که سال‌ها پیش از قیام امام حسین (ع) از میان رفته بود. جامعه اسلامی به وسیله مردی عادی علیه حاکمان ظالم، انقلاب‌ها و قیام‌ها به خود می‌بیند. اما روح کربلا در نهاد کسانی که به این کار دست زدند، شعله‌ای برافروخت که همه آماده بودند تا در راه چیزی که آن را حق تشخیص می‌دادند، جان فدا کنند.

۴. روح مبارزه جویی. قیام حسین (ع) پس از دیری خاموشی و تسلیم، از نو موجب برانگیختن روح مبارزه جویی در انسان‌های مسلمان گردید. این قیام همه موانع را که مانع قیام و انقلاب می‌شد در هم فرو ریخت. مسلمانان به صلح‌طلبی و معامله دعوت می‌شدند. به آنان گفته می‌شد که جان خود و موقعیت اجتماعی و مال خود را حفظ کنید در چنین زمانی قیام حسین (ع) روی داد تا به انسان‌های آزاد و اخلاق جدید و سبک نوین زندگی بیاموزد.

اما خود خواهی مانع از این بود که مسلمانان به انقلاب دست زنند. قیام حسین (ع) در وجدان گروه بسیاری از مردم این اندیشه زندگی را برانگیخت که با حمایت نکردن از حسین (ع) مرتکب گناه شده‌اند.

باری، این احساس آنان را برانگیخت و آماده قیام ساخت. روح مبارزه جویی در زندگی ملت‌ها و فرمانروایشان تأثیر فراوانی دارد. هنگامی که این شعله به خاموشی گراید و ملت تسلیم فرمانروایان خود شود، فرمانروایان هر چه بخواهند می‌توانند انجام دهند و با گذشت زمان با خاموشی روح مبارزه جویی، تسلط بر آنان آسانتر

می‌گردد. از این رو، در چنین ملتی ایجاد تحول دشوارتر می‌شود.

برای این که از میزان تأثیر قیام حسینی در تحریک روح انقلابی در جامعه اسلامی تصویری روشن نشان دهیم، باید بگوییم که جامعه اسلامی پس از قتل امام علی (ع) تا هنگام قیام حسینی آرام بود. در طول این مدت، هیچ گونه اعتراض و انقلاب جدی اتفاق نیفتاده بود. با همه انواع کشتارها و سرکوب‌ها و غارت اموال به وسیله امویان و همدستانشان، بیست سال تمام، توده‌ها حالت تسلیم و اطاعت محض از حاکمان جور داشتند و این وضع از سال چهل تا شصت هجری به طول کشید.

اما پس از قیام حسین (ع)، در مکتب، روح انقلاب دمیده شد و توده‌ها در انتظار رهبری جدید بودند. و هر گاه رهبری می‌یافتند، علیه حکومت بنی امیه دست به انقلاب می‌زدند. در همه این انقلاب‌ها، شعار انقلابیون خونخواهی از امام حسین (ع) بود.

